



این مقاله به سفارش موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و انسیتوت دیجیتالی جامعه مدنی آزاد، کار شده است.

بررسی وضعیت سیک‌ها و هندوها در حاکمیت طالبان در افغانستان

نگارنده: حکیم ضیا (اسم مستعار)

چکیده

هندوئیزم در حدود سه هزار سال قبل از امروز و دین سیک در نیمه اول قرن هجدهم میلادی وارد افغانستان شدند. با ظهور اسلام و حمله اعراب به افغانستان به ویژه در عصر غزنوی‌ها هندوئیزم به انزوا رفت. در زمان شاه امان الله، بعضی آزادی‌های مدنی برای سیک‌ها و هندوها داده‌شد. با به قدرت رسیدن مجاهدین و طالبان در سال 1371/م/1992 خورشیدی، هندوها و سیک‌ها در معرض شدید نقض حقوق بشر توسط مجاهدین و طالبان قرار گرفتند. در زمان جمهوری از 2001 تا 2021م (1380-1400 خورشیدی) وضعیت زندگی هندوها و سیک‌ها بهتر بود؛ اما گروه‌های تروریستی طالبان و داعش چندین حمله بالای هندوها و سیک‌ها انجام دادند. بعد از به قدرت رسیدن طالبان در سال 2021/م/1400 خورشیدی، هندوها و سیک‌ها به دلیل حملات تروریستی که بالای‌شان انجام‌شد و تهدیدات طالبان، افغانستان را ترک کردند؛ اکنون در حدود 10 تن باقی مانده‌اند.

Survey of Hindus and Sikhs situation under dominion of Taliban

About three thousand year before today Hinduism and in the first mid of 18th AD century Sikhism entered in Afghanistan. When Islam appeared in Saudi Arabia and the Arabs invaded to Afghanistan, especially in era of Ghaznavids Hinduism was isolated. Shah Amanullah got some civil freedom to Hindus and Sikhs in his kingship. When Mujahidin and Taliban toke power in 1992, Hindus and Sikhs face with extensive human rights violation by Taliban and Mujahidin. In the Republican era from 2001 to 2021 situation of Sikhs and Hindus were better, but in late years of Republican government, the Taliban and Daesh operated different terroristic attacks on Hindus and Sikhs. When Taliban got the power in 2021, they threatend Hindus and Sikhs and terroristic attacks also continued so Hindus and Sikhs migrated from Afghanistan. Right now, there are left about 10 persons from this minority.

واژه‌گان کلیدی: حقوق بشر، هندوئیزم، سیک، کاست، گورو، سرکوب، طالبان، عبادت‌گاه، تبعیض، شکنجه، تهدید، آپارتاید مذهبی، گرانت صاحب، ویدها و تغییر مذهب

مقدمه و اهمیت موضوع

این مقاله به سفارش موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و انستیتوت دیجیتالی جامعه مدنی آزاد، کار شده است. در این مقاله به «بررسی وضعیت هندوها و سیک‌ها در حاکمیت طالبان» پرداخته شده است.

تفاوت‌های مذهبی، زبانی و نژادی اگر به درستی مدیریت شود می‌تواند به عنوان نقطه قوت برای یک سرزمین باشد. اما اگر این تفاوت‌ها با خصومت و تبعیض همراه گردد؛ جامعه در فاجعه و سستی‌جویی غرق می‌شود و اقلیت‌های قومی و مذهبی در معرض ستم و نقض حقوق بشر از طرف اکثریت مسلط قرار می‌گیرد. ما، در افغانستان شاهد چنین ستم‌گری هستیم، به طور نمونه؛ هندوها و سیک‌ها دو اقلیت دینی در افغانستان است که از قرن‌های گذشته در افغانستان می‌زیستند. آن جمعیت 250 هزار نفری در جریان یک قرن از (1298 تا 1402 خورشیدی) از میان رفته‌اند و اکنون به حدود 10 تن کاهش یافته است. این ده تن نیز در تلاش‌اند که افغانستان را ترک کنند. زیرا طالبان به شمول دیگر گروه‌های تروریستی حاکم در افغانستان به دلیل نگاه تندروانه مذهبی و دینی‌شان زندگی سیک‌ها و هندوها را با تهدید شدید مواجه ساخته‌اند.

یکی از ویژگی‌های بارز ادیان و مذاهب انحصارگرایی است؛ یعنی مدعی‌اند که تمامی حقیقت در حیطه اختیارشان است و راه رستگاری فقط از یک مجرا می‌گذرد. این انحصارطلبی، گاهی از حالت مفهومی و استدلال عقلانی و فلسفی فراتر می‌رود و وارد نزاع و کشمکش‌های خونین می‌شود که می‌توان از جنگ‌های صلیبی در میان مسیحیان و مسلمانان یادکرد.

فلسفه دین، این است که بشر را به رستگاری و آرامش برساند؛ اما وقتی حلقه انحصار را در اطراف حقیقت کشید؛ دیگر آورنده آرامش و رستگاری نیست، بلکه زندگی پیروان خود و دیگر ادیان را با مصیبت و رنج، گره می‌زند و اسم این رنج را می‌گذارد قربانی در راه حقیقت.

هندوئیسم وقتی در هندوستان ظهور کرد، بعد از قرن‌ها در اثر مراودات فرهنگی و بازرگانی وارد افغانستان شد، پیروان زیاد یافت و یک تمدن دینی در این حوزه شکل گرفت. بعد از ظهور دین اسلام در عربستان، آرامش سرزمین سیستان و خراسان برهم خورد. لشکر اعراب با شمشیرهای آخته و شعار تکفیر، بر این سرزمین حمله کردند. پیروان ادیان دیگر را کشتند، معابدشان را تخریب کردند و سرزمین‌های‌شان را فتح. هندوپاوران این سرزمین برای زنده ماندن، از اعتقاداتشان دست کشیدند و اسلام را پذیرفتند و تعدادی که به عقیده‌ی خویش وفادار ماندند جزیه پرداخت کردند.

هندوها و سیک‌ها در افغانستان همیشه مورد تبعیض و ستم قرار داشتند. سرزمین که قبل از اسلام به دین هندوئیسم گرایش داشت با یک چرخش 180 درجه به دشمنان قسم خورده‌ای باورمندان هندوئیسم تبدیل‌گردید. قانون‌های اساسی که در افغانستان تدوین شده‌اند همه از تبعیض مذهبی شدید حکایت‌دارند؛ برای باورمندان غیر از دین اسلام، آزادی‌های مشروط قایل می‌شوند. این‌گونه برخورد، اقلیت‌های مذهبی را زیر فشار روانی و اجتماعی قرار می‌دهد.

رشد بنیادگرایی اسلامی و تندروی مذهبی، در تاریخ پنجاه سال اخیر افغانستان، آتش سوزانی بود که تفاوت‌های دینی و اعتقادی در این سرزمین را نابود ساخت. فلسفه تندروی و افراطیت اسلامی نابودسازی آن‌هایی اندک‌با تندروان متفاوت می‌اندیشند. ما، در افغانستان در این پنجاه سال، شاهد جنایت و کشتارهای بی‌رحمانه از طرف افراطی‌های دینی بوده ایم. هزاران انسان بی‌گناه به جرم باور و اعتقاداتشان کشته و سلاخی شدند و هزاران انسان مجبور به ترک وطن گردیدند.

زمانی‌که گروه‌های افراطی و مذهبی افغانستان، در سدد به دست آوردن قدرت سیاسی شدند و با سازمان‌های جهانی (استخبارات) شرق و غرب پیوند خوردند و با پول‌های اوپراتیوی تغذیه گردیدند صورت مسئله وحشتناک‌تر و پی‌چیده‌تر گردید. این گروه‌ها در ساختار مجاهدین و طالبان بر سرنوشت مردم افغانستان مسلط شدند. قربانی این پیوند منحوس تمام مردم افغانستان بود، اما شهروندان هندو و سیک افغانستان بیشترین قربانی را دادند.

بعد از به پیروزی رسیدن مجاهدین در سال 1371 و متعاقب آن گروه طالبان در سال 1375 خورشیدی، شهروندان سیک و هندو با موارد جدی نقض حقوق بشر توسط مجاهدین و طالبان مواجه شدند؛ که عبارت‌اند از: قتل، تجاوز، غصب زمین و

جایادهای‌شان و همچنان اعمال آپارتاید شدید مذهبی. گروه طالبان در دور اول حاکمیت خویش، در فرمان دوازده ماده‌ای صحنه را برای سیک‌ها و هندوها به اندازه محدود ساخت که این جمعیت مجبور به ترک وطن شدند.

در دو دهه نظام جمهوریت، هندوها و سیک‌ها از آزادی‌های مدنی برخوردار بودند. اما در سال‌های آخر نظام جمهوری، گروه‌های تروریستی طالبان و داعش حملات تروریستی را بالای هندوها و سیک‌ها سازماندهی کردند که باعث تلفات تعداد زیادی از این اقلیت مذهبی گردید.

با سقوط نظام جمهوری در 24 اسد 1400 و حاکمیت مجدد طالبان بر افغانستان، حملات تروریستی و تهدیدهای طالبان و داعش بالای هندوها و سیک‌ها خاتمه نیافت بلکه تداوم پیدا کرد. به دلیل این تهدیدات و حملات تروریستی، هندوها و سیک‌ها مجبور شدند که افغانستان را به صورت گروهی ترک کنند.

با توجه به وضعیت هندوها و سیک‌های افغانستان که در حال نابودی می‌باشند نیاز است که فعالان حقوق بشر و پژوهش‌گران علوم اجتماعی به تبیین و توصیف وضعیت بپردازند. تبیین این وضعیت غیرانسانی و وحشتناک به حال هندوها و سیک‌ها هیچ سودی شاید نداشته باشد و فقط یک ابراز همدردی انسانی است. اما توجه به این وضعیت، ممکن است که از تکرار فاجعه‌های بیشتر جلوگیری کند.

فعالان حقوق بشر و پژوهش‌گران علوم اجتماعی، در صورتی‌که از کنار نابودی هندوها و سیک‌ها که اکنون اتفاق افتاده است و تقریباً غیر قابل بازگشت است، بی‌تفاوت بگذرند؛ در آینده اقلیت‌های قومی و مذهبی دیگری نیز توسط هیولای افراطیت طالبانیسم و داعش که شکل و شمایل استخباراتی را نیز به خود گرفته است نابود خواهند شد.

در حقیقت، اهمیت تحقیق و پژوهش در مورد سرنوشت سیک‌ها و هندوهای افغانستان، ما را به این مسئله آگاه می‌سازد که تمام اقلیت‌های مذهبی و نژادی در مسیر نابودی و انقراض در حرکت اند. این حرکت در مسیر نابودی توسط گروه‌های تندرو و افراطی از جمله طالبان در حال اجرا است؛ اگر صورت مسئله تبیین نشود این قطار ستم به پیش خواهد رفت. اما اگر مسئله تبیین شود و آگاهی‌دهی صورت گیرد حرکت این قطار کند و ممکن است که متوقف شود و حد اقل تنوع نژادی، زبانی، فرهنگی و مذهبی که باقی مانده است حفظ گردد.

هدف تحقیق

این تحقیق، جستاری است برای توصیف و تبیین وضعیت اقلیت دینی سیک و هندو در حاکمیت گروه طالبان و آگاهی‌دهی در مورد چگونگی از میان رفتن این اقلیت.

روش تحقیق

در این تحقیق از روش کتابخانه‌ای به شمول منابع آنلاین، مشاهده مستقیم و روش میدانی (مصاحبه) استفاده شده است.

جامعه آماری و جمعیت نمونه

جامعه آماری این تحقیق سه شهر (کابل، غزنی و جلال آباد) می‌باشد. به دلیل اینکه هندوها و سیک‌ها فقط در همین سه شهر حضور داشتند. از اینکه هندوها و سیک‌ها مخفیانه زندگی می‌کنند و حاضر به مصاحبه و پاسخ به سوالات نیستند؛ معلومات از طریق مصاحبه و پرسش و پاسخ با 12 تن شهروندان این سه شهر که در جریان زندگی هندوها و سیک‌ها بودند جمع آوری گردیده است.

مدت زمان تحقیق

از 22 مه 5 ژوئن 2023

محدودیت‌های تحقیق

- عدم دسترسی مستقیم به هندوها و سیک‌ها؛
- تهدید طالبان در برابر محققان اجتماعی؛
- فقدان علاقه‌مندی مردم برای ارائه معلومات به دلیل ترس از طالبان.

1 - تاریخچه هندوئیسم و دین سیک

1 - 1 - هندوئیسم

هندوئیسم یکی از کهن‌ترین ادیان است که در کشور هند بوجود آمد. پیروان این دین، خدایان سه گانه را می‌پرستند «اول، برهما یعنی خدای خلقت و آفریدگار کل؛ دوم، ویشنو یعنی خدای حیات و حافظ کل؛ سوم، شیوا یعنی خدای مرگ و مهلک کل» (بی‌ناس، 1354، 189). هندوئیسم یا «برهمنیزم هیچ‌وقت، در تحت قاعده و شریعت یک فرد موسس و یک شاعر و بانی واقع نشده است» (بی‌ناس، 1354، 172). پیروان هندوئیسم مردگان را می‌سوزانند.

در میانه‌های هزاره دوم قبل از میلاد «مردمی از ریشه و نژادی دیگر {غیر از ساکنان اصلی اطراف رود سند} از دامان کوه‌ها و سلسله جبال هندوکش گذشته و از طرف شمال غرب به داخل کشور هند سرزیر شده‌اند و سرانجام آن ملک را تسخیر کرده ... که خود را آریان می‌خوانده» (بی‌ناس، 1354، 91).

این مهاجران تازه‌وارد، نظام اجتماعی را ایجاد کردند که در آن هر طایفه برای خود یک رئیس زیر عنوان راجا (Raja) انتخاب می‌نمود. در این نظام اجتماعی «به اشخاص و افراد روحانی نیازمند گردید تا از پیشگاه خدایان غیبی برای او {راجا} خیر و کامیابی و پیروزی طلب نماید» (بی‌ناس، 1354، 92).

در این زمان «یک سلسله ادعیه و اوراد به صورت ترتیلات و سرودهای دینی ... سحری و افسون‌های جادوگری پدید آمد و بالاخره نخستین و قدیمی‌ترین آثار کتبی یعنی کب مقدسه هندو متولد گشت» (بی‌ناس، 1354، 92). این کتاب‌ها به نام ویداهای چهارگانه می‌باشد.

ویداهای قدیمی‌ترین متون در مورد هند است اما در آن‌ها «هیچ گونه اشاره‌ای نشده که مولفین‌اش با خط و کتابت آشنایی داشته اند ... هندوهای مقدس عقیده دارند که تمام آن‌ها کلمه به کلمه الهام شده» (شاله، 1346، 75-76).

2 - 1 - فلسفه اوپانیشادها

هندوئیسم به مرور زمان به لحاظ فکری رشد کرد. یک سلسله تفکرات فلسفی و عرفانی زیر عنوان اوپانیشادها تدوین گردید. اوپانیشادها (Upanishad) در زبان سانسکریت «حضور در مجلس معلم» معنا می‌دهد.

سوال‌های مطرح در اوپانیشادها همه صبغه فلسفی و عقلانی دارند «حقیقت چیست؟ کیهان مظهر و نمودار چیست؟... حیات انسانی چه معنا دارد؟» (بی‌ناس، 1354، 102). بعد از شکل‌گیری فلسفه اوپانیشادها، دو تفکر عمده تحت عنوان تناسخ و کارما شکل گرفت.

وپانیشادها دارای فلسفه‌ای عمیق و عقلانی است؛ شوپنهاور (1788-1860) فیلسوف آلمانی ترجمه اوپانیشادها را خوانده و می‌گوید: «در جهان هیچ‌نوع مطالعه‌ای به اندازه اوپانیشادها سودمند و تعالی‌دهنده نیست. اوپانیشادها مایه تسلی خاطر من در حیات بود و پس از مرگ هم تسلی‌بخش من خواهد بود» (شاله، 1346، 85).

3-1 - سنت نیایش و جان‌پرستی

در هندوئیسم آیین‌های نیایش در «معابد، عمدتاً به صورت انفرادی است و غالباً همراه با هدایایی است که به تمثال خدایان و راهبان دیر تقدیم می‌شود. پرستش‌بت‌ها نیز غالباً به صورت گشتن به دور آن‌ها است. که البته همواره باید مجسمه در طرف راست بدن قرار گیرد» (هیوم، 1391، 62).

جان‌پرستی یکی از ویژگی‌های مهم اعتقادی هندوئیسم است «ترس از ارواح پلید و خسوف و کسوف، اعتقاد به نجوم و طالع بینی و ساعت خوب و بد، لعن و نفرین و زخم چشم و افسون از جمله این اعتقادات است» (هیوم، 1391، 64). این اعتقادات در افغانستان نیز وجود دارد که میراث هندوئیسم در این سرزمین می‌باشد.

4-1 - نظام کاست در هندوئیسم

در هندوئیسم در حدود 500 ق.م جامعه به سازمان طبقاتی (Caste System) چهارگانه تقسیم‌بندی گردید: برهن‌ها یا روحانیان؛ اشراف و امرا؛ زیردستان؛ و شودراها یا خدمت‌گاران. اما «در خارج از طبقات فوق و در تحت آنان طبقه پاریا (Paria) قرار داشت که اصلاً نجس خوانده شده و از حقوق اجتماعی محروم بودند. تا اینکه در قرن معاصر، گاندی رهبر بزرگ هندوستان این طبقه را بنده خدا (Hurigan) نامید» (شاله، 1346، 80).

این تقسیم‌بندی طبقاتی در قرن ششم قبل از میلاد، در هندوئیسم دچار انحطاط شد. در این قرن دو مذهب جایگزین و بودیسم بوجود آمد. جایگزین بر اصول سخت و ریاضت شاقه بنیاد نهاده شد؛ بودیسم با میانه‌روی آغاز و تداوم یافت و سیستم کاستی را فاقد اعتبار دانست.

5-1 - شکل‌گیری دین سیک در ساختار هندوئیسم

گرایش اصلاح طلبانه فکری و فلسفی در میان پیروان هندوئیسم، در قرن پانزدهم منجر به پدیدآمدن مذهب سیک گردید. هرچند دین‌شناسان به این باور اند که سیک ترکیبی از اسلام و هندوئیسم می‌باشد؛ اما «مومنان به آن دین، همه برآنند که آن مبادی از پیشگاه الهی مستقیماً به قلب راهنما و شارح ایشان یعنی نانک (Nanak) پرتو افکنده است» (بی‌ناس، 1354، 208).

در مورد زندگانی گورو نانک، «آنچه معلوم است، نانک در سال 1464م در قصبه‌ی موسوم به تالواندی Talwandi در نزدیکی لاهور پایتخت پنجاب متولد گردیده والدین اش هندو مذهب و از اعقاب صنف شاهزادگان کشتاریا بوده‌اند» (بی‌ناس، 1354، 209).

نانک، بعد از نایل آمدن به معرفت اظهار داشت که «هندو و مسلمانی وجود ندارد» (هیوم، 1391، 150). وی در سن 69 سالگی یکی از شاگردان خویش به نام انگارد Angard را جانشین خود تعیین کرد. نانک در سال 1538 از دنیا رفت.

یکی از نام‌های را که نانک برای خداوند استعمال نمود «کلمه گورو (معلم) بود. بنابراین، دین سیک میان کلیه ادیان عالم، از این جهت که در متون مقدس آن خداوند متعال به نام آموزگار خوانده شده منحصر به فرد است. نامی هم که برای خود این دین انتخاب شده، واژه سیک بر این دلالت دارد که پیروان آن باید شاگردان و مریدان خداوند باشند» (هیوم، 1391، 164). واژه سیک به معنای شاگرد و پیرو است.

جهان بینی دین سیک، بر محوریت خداواری شکل گرفت است و باور به خدای واحد دارد. براین عقیده است که همه چیز در دستان خداوند می‌باشد «باچه کسی می‌توان پیوند دوستی ریخت؟ تمام جهان گذران است. جز خدای بزرگ همه چیز سرتاسر دروغ و باطل است» (هیوم، 1391، 165).

6-1 - فرقه‌های مذهبی و پیشوایان نه گانه، عبور از روحیه عرفانی به مبارزه‌جویی

در دین سیک، دو فرقه‌ای عمده وجود دارد «گروه پرستنده‌گان نانک که بی‌سروصدا بوده و خود را به شدت طرفدار تعالیم بنیان‌گذار این مکتب گورو نانک می‌دانند؛ و گروه پرانرژی‌تری سیک‌های خالص که از تعالیم گوروی دهم گویند سینگ پیروی می‌کند» (هیوم، 1391، 175). سیک‌های که در افغانستان حضور دارند بیشتر طرفداران گوروی دهم اند که لقب خالصه در اسم همه‌شان می‌باشد.

دین سیک، همانند دیگر ادیان در طول تاریخ با تحولات و تغییرات مواجه گردیده است؛ بعد از گورو نانک بنیان‌گذار این دین، نه گورو (Guru) آموزگار ظهور کرده‌اند. یکی از برجسته‌ترین و تاثیرگذارترین آنان گورو ارجن (1581-1606) می‌باشد که در زمان این معلم در میان سیک‌ها «تحولی عظیم روی‌داد و اندک‌اندک به صورت فرقه‌ئی جنگجو و مبارز در آمدند ... این پیشوای مجاهد، برای پیروان خود معبدی از طلا در شهر امریتسار در وسط استخر عظیم بنا نهاد، سپس کتابی تدوین کرد که آنرا گرانث Granth نامید و آن مانند قرآن مسلمانان نزد ایشان مقدس است» (بی‌ناس، 1354، 213). این معبد به عنوان معبد مرکزی دین سیک می‌باشد.

هارگویند، گوروی ششم که از (1606 تا 1646) پیشوای مذهبی بود، با لشکر سلطان جهان‌گیر در هند به مبارزه برخاست. این وضعیت و تخاصم ادامه یافت تا اینکه نوبت گوروی دهم، گویند سینگ 1679-1708 رسید. وی نیز روحیه رزم آوری را در سیک‌ها تقویت کرد و لغت سینگ (Sing) که به معنای شیر می‌باشد انتخاب کرد. این لقب بعد از آن بردیگر پیروان سیک نیز مرسوم شد.

گوروگویند سینگ، سنت داشتن پنج چیزی را که با حرف کاف شروع می‌شود نیز در میان سیک‌ها مروج ساخت: «1 - کیس Kes یعنی نبریدن موی سر و ریش، 2 - کانگا Kanga یعنی شانه، 3 - کاکچ Kachk یعنی شلوار کوتاه، 4 - کارا Kara یعنی دست‌بند، الگو آهنین، 5 - کاندای یعنی شمشیر یا خنجر فولادین» (بی‌ناس، 1354، 215).

گویند سینگ، با پادشاه مسلمانان اورنگ زیب، جنگ‌های زیاد انجام داد، اما به پیروزی چشمگیر نایل نشد. بعد از مرگ اورنگ زیب، با بهادرشاه جانشین اورنگ صلح کرد، «اما عاقبت به دست قاتلی مسلمان در سال 1708 هدف خنجر شده جان سپرد» (بی‌ناس، 1354، 215). بعد از گورو گویند سینگ، در میان سیک‌ها معلم و پیشوای مذهبی ظهور نکرده است و کتاب «گرانث صاحب» در معبد امریتسار مورد عبادت قرار می‌گیرد. و سیک‌ها براساس این کتاب عمل می‌کند.

2 - اشاعه هندوئیسم و دین سیک در افغانستان و تقابل با دین اسلام

هندوئیسم بعد از گسترش در هندوستان، در حدود سه هزار سال قبل وارد افغانستان شده است. اکثریت مردم این حوزه به این دین گرایش پیدا کردند. هندوئیسم یکی از پرطرفدارترین ادیان در افغانستان بود. تا هنوز آثار تاریخی و باستانی که نمادهای هندوئیسم می‌باشد در افغانستان وجود دارد. بیشترین پیروان هندوئیسم را مردمان جنوب هندوکش و قندهار تشکیل می‌داد. در زمین‌داور قندهار مهم‌ترین معبد هندوها قرار داشت که در آن معبد «بت زور» مورد پرستش قرار می‌گرفت. دین سیک احتمالاً در نیمه اول قرن هجدهم در افغانستان وارد شد.

در زمانی که در حوزه امروزی افغانستان؛ هندوئیسم و دیگر ادیان، پیرو داشتند؛ دین اسلام در سال 609 م در سرزمین عربستان ظهور کرد. مسلمان‌ها بعد از استقرار اولیه، به کشورگشایی آغاز نمودند. برای تمام پیروان ادیان و باورهای دیگر حکم تکفیر را صادر کردند و با این شعار عمل می‌کردند؛ یا اسلام را بپذیرید، یا کشته شوید و یا جزیه بدهید. بعد از 35 سال لشکر مسلمان‌ها، در مرزهای سیستان و افغانستان امروزی رسیدند.

زمانیکه مسلمان‌ها وارد منطقه سیستان شد «کابل از طرف شاهانی اداره و رهبری می‌شد که در تاریخ به نام کابلشاهان یا زنبیل و رتبیل نامیده شده اند، و قلمرو حکومت‌شان تا بست و زرنگ گسترده بود. تردیدی نیست که کابلشاهان و زنبیل‌ها

دو خاندان از هم جدا بوده‌اند و مثل مردم کابل مذهب برهمنی یا هندویی داشته‌اند و میل نداشتند که مهاجمان عرب از حوزه فرمان‌روایی‌شان گذرکنند، و به همین دلیل دو قرن و نیم در برابر ایشان سرسختانه ایستادند و راه پیشروی اعراب را به جنوب و مشرق برای رسیدن آنان به دره سند بستند» (سایت کابل نات‌ه، نوامبر 2005).

اعراب مسلمان به دنبال تسخیر و اسلامیزه‌سازی افغانستان بودند و «اولین سردار لشکر عرب، احنف بن قیس تیمی که در سنه 18 یا 22 هجری برابر با 643م، به تعاقب یزدگرد گماشته شده بود، وی از راه طبسین به خراسان آمد، و هرات را به جنگ کشود و صحار عیدی را در آنجا به حکومت گذاشت، و بعد از آن مرورود، بلخ و صفحات شمالی افغانستان را از نشاپور تا تخارستان گرفت» (حبیبی، 1367، 147-148). در منطقه زمین‌داور قندهار یکی از معابد بسیار مقدس هندوئیسم موقعیت داشت که «بت زور» در این معبد بوده است. در سال 33 هجری عبدالرحمان بن سمره «بت زور» را تخریب کرد.

تقابل اسلام و هندوئیسم ادامه داشت و با روی کار آمدن سلسله غزنویان، هندوئیسم در افغانستان در معرض نابودی قرار گرفت. غزنویان اکثریت پیروان هندوئیسم را به زور وادار به پذیرش اسلام کردند و تعدادی که به اعتقادات مذهبی‌شان باورمند ماندند با پرداخت جزیه زندگی را ادامه دادند.

سلطان محمود غزنوی (998-1030 م)، برای ترویج اسلام، به سمت هندوستان حمله کرد و «لشکر کشی‌های محمود در هند بیشتر جنبه مذهبی داشت تا مالی، او غنایم و برده را به حکم مذهب می‌پذیرفت و معابد را به مسجد تبدیل ویا تخریب می‌کرد» (غبار، 1368، 108).

وی اصنام و بت‌ها را تخریب می‌کرد و آن‌هایی که از فلزات قیمتی مثل طلا بود ذوب می‌کرد «اصنام را می‌گذاخت و حاصل آن را حلال‌ترین دارایی خود می‌شمرد و فقط در امور خرج می‌کرد که پول شبیه ناک بکار نمی‌رفت از قبیل اعمار مسجد و غیره» (غبار، 1368، 108).

سلطان محمود غزنوی، تنوع دینی، مذهبی و فکری را نابود ساخت. بعد از سلطنت وی، اسلام دین غالب در افغانستان شد و دیگر ادیان و مذاهب رو به اضمحلال گذاشتند. تنها منطقه‌ای که خارج از قلمرو مذهبی وی قرار داشت نورستان بود. اما این منطقه در زمان عبدالرحمان در سال 895 سرکوب گردید و مردمان آن که هندو مذهب بودند، مجبور به پذیرش اسلام شدند.

پیروان ادیان غیر از اسلام که به کیش و آئین‌شان وفادار ماندند همواره زیر تهدید و سرکوب قرار داشتند. روند تبعیض و سرکوب در مسیر به انقراض کشانیدن جمعیت‌های دینی و مذهبی غیر مسلمان، به پیش می‌رفت.

دین سیک، احتمالاً در نیمه اول قرن هجدهم وارد افغانستان شده است؛ که پیروان آن به صورت تجار و بازرگان از منطقه پنجاب پاکستان که خاستگاه این دین است به افغانستان کنونی آمده‌اند. همچنان، شواهد تاریخی موجود است که در میان ارتش احمد شاه ابدالی سیک‌ها حضور داشته‌اند (سایت آسو، 12/4/1402 و سایت خبرگزاری میزان، 16/4/1397). دین سیک، برای جذب پیرو از میان مردم افغانستان با اقبال چندانی روبرو نشد و پیروان این دین، مورد تبعیض مسلمانان قرار گرفتند. تلاش تندروان اسلامی این بود که پیران دیگر ادیان را یا به کیش اسلامی درآورند ویا سرکوب کنند و از آنان جزیه بگیرند. پرداخت جزیه شامل حال سیک‌ها و هندوها نیز می‌شد. این وضعیت تا زمان شاه امان الله ادامه داشت؛ اما وی یک سلسله اصلاحات اجتماعی را در زندگی سیک‌ها و هندوها ایجاد کرد.

1 - 2 - هندوها و سیک‌ها در عصر آرامش نسبی (1919-1992/1298-1371)

شاه امان الله، وقتی به سلطنت رسید، به اصلاحات اجتماعی و سیاسی دست زد. اصلاحات وی شامل هندوها و سیک‌ها نیز شد. او دستور داد که «در مجالس مشوره ولایت‌های قندهار، غزنی، جلال‌آباد و انجمن معارف کابل، یک یک نفر نمایندگان انتخابی هندوهای افغانستان شامل و در امور اداره سهیم گردیده؛ قید رنگ زرد از دستار و معجز هندوها با

باقیات پول جزیه طبق فرمان حمل 1299 می 1920 شاه امان الله مرفوع گردید. اولاد هندو در مدارس ملکی و نظامی (لیسه‌های حبیبیه و حریبه) و افسری اردو قبول شد» (غبار، 1368، 794).

همچنان، شاه امان الله «در کابینه حکومت‌اش، دیوان نرنجداس را که شخص مستعد و مجرب در امور مالی و حربی بود به صفت وزیر مالیه مقرر کرد و در جمع هیات امضای معاهده شناخت استقلال افغانستان شامل نمود» (سایت همبستگی، 27 اسد 1393).

اما در قانون اساسی که در زمان شاه امان الله توشیح شد و قوانین اساسی بعد از آن، ما شاهد تبعیض ساختاری در برابر هندوها و سیک‌ها هستیم. در تمام این قوانین اساسی یادآوردی شده است که؛ دین اسلام به عنوان دین رسمی افغانستان می‌باشد و پیروان سایر ادیان در پرتو قانون برای اجرای مناسک مذهبی‌شان آزاد می‌باشند. قید «در پرتو قانون» نشان‌دهنده تبعیض دینی و مذهبی می‌باشد و به این معنا است که پیروان هندو و سیک از آزادی کامل برخوردار نیستند.

از سوی دیگر، در تمام قوانین اساسی افغانستان، قید شده است که شاه ویا رئیس جمهور باید مسلمان باشد. در بعضی قوانین اساسی داشتن مذهب حنفی برای شاه، شرط اساسی در نظر گرفته شده است. تمام این موارد، خلاف موازین حقوق بشر و یک نوع تبعیض و حق‌تلفی آشکار در برابر شهروندان یک کشور می‌باشد.

بعد از شاه امان الله، حکومت‌های افغانستان تا حدودی از حقوق سیک‌ها و هندوها حمایت کردند. این اقلیت مذهبی، در پرتو قانون دارای آزادی‌های مدنی و اجتماعی بودند. این وضعیت تا آخر حکومت حزب دموکراتیک خلق افغانستان ادامه داشت.

2 - 2 - هندوها و سیک‌ها در عصر کشتار و خشونت (1992-2001/1371-1380)

شکست دولت دموکراتیک خلق افغانستان در سال 1371، به دست مجاهدین باعث شد که تمام شیرازه‌های دولت‌داری و نظم اجتماعی برهم بخورد. گروه‌های مجاهدین که با تفکرات تندروانه دینی و مذهبی تربیت شده بودند به هیچ‌گونه تنوع فرهنگی و فکری باور نداشتند. آنان خود را ملزم به این می‌دانستند که تمام مخالفان اعتقادی را نابود و احکام اسلامی را بالای آن‌ها تطبیق و دارایی‌های‌شان را به عنوان غنیمت تصرف کنند.

در این فضای خشونت و ستیزه‌جویی، آسیب‌پذیرترین جمعیت انسانی در افغانستان، هندوها و سیک‌ها بودند. فرماندهان تنظیم‌های هفت گانه پاکستان و نه گانه ایران، زندگی را بر سیک‌ها و هندوها تلخ ساختند. خانه و دارایی‌های‌شان را تاراج و زمین‌های‌شان را به زور گرفتند؛ حتا اقدام به قتل و جنایت‌های ضد بشری در برابر این جمعیت بی‌دفاع کردند.

در سال 1375، طالبان بر افغانستان مسلط شد؛ تاریخ قبل از شاه امان الله را بالای هندوها و سیک‌ها تکرار کردند. هندوها و سیک‌ها را ملزم ساختند که باید یک پارچه زرد را همیشه برشانه داشته باشند تا از مسلمانان تشخیص شوند. تندروی و عدم مدارای مذهبی طالبان، این جمعیت را مجبور به مهاجرت اجباری ساخت و در مسیر نابودی قرارداد.

طالبان، به اساس تفکر تندروانه و افراطی که دارند، در تلاش این بود که تمام تنوعات مذهبی و دینی را حذف و نابود سازند. شهروندان که به شدت از طرف طالبان آسیب دید و در معرض نابودی قرار گرفت هندوها و سیک‌های افغانستان بودند.

شهروندان سیک و هندو روایت‌های دردناک از ستم و تبعیض طالبان دارند. یکی از شهروندان هندو باشنده ولایت بغلان در مصاحبه با «انستیتوت گزارش جنگ و صلح» اظهار داشته است که «دوره طالبان یکی از دوره‌های بسیار چالش برانگیز برای ما بود، چون تمامی مراسم مذهبی ما ممنوع قرار داده شده بود و حتا بیرون رفتن از خانه برای ما سخت بود» (انستیتوت گزارش جنگ و صلح، 30 نوامبر 2017).

طالبان، برای محدودسازی هندوها و سیک‌های افغانستان، فرمان 12 ماده‌یی را صادر کردند. اوتار سینگ خالصه، رئیس کمیته سراسری هندوها و سیک‌های افغانستان در یک مصاحبه با بنیاد آرمان شهر، این قانون را چنین بیان داشته است: اهل هند و سیک حق ساختن عبادتگاه جدید را ندارند؛ هندوها و سیک‌ها حق ندارند سوار بر اسب در شهر گشت و گذار کنند؛ هندوها و سیک‌ها حق ندارند لباس همانند لباس مسلمانان بپوشند؛ هندوها و سیک‌ها بالای خانه‌ها و دکان‌های‌شان باید پرچم‌های زرد نصب شود تا از دیگران متمایز باشند؛ هندوها و سیک‌ها حق ندارند با مسلمانان دست بدهند و هندوها و سیک‌ها حق ندارند در یک خانه با مسلمانان زندگی کنند (44 روایت دیگر از افغانستان، 1395، 17).

این فرمان، سراسر خشونت و تبعیض مذهبی و دینی بود. تمامی ماده‌های آن با قوانین و میثاق‌های بین‌المللی حقوق بشری در تضاد شدید قرار دارند. وقتی یک جمعیت انسانی با این وسعت از نقض حقوق بشری روبرو شود، چاره‌یی جز مهاجرت و رفتن به زندگی پنهانی ندارد.

در این‌گونه وضعیت، ساختار اجتماعی افغانستان نیز هیچ‌گونه ابراز همدردی و همکاری با هندوها و سیک‌ها نکردند. زیرا ذهنیت اکثریت مطلق شهروندان افغانستان براساس آموزه‌های دینی و مذهبی شکل گرفته که از طریق ملاحا و مولوی‌ها در ذهن آن‌ها انتقال یافته است. آن‌ها باور دارند که جمعیت‌های غیر مسلمان، یا اسلام را قبول کنند و یا اینکه تن به محدودیت‌سازی‌های شریعت اسلامی دهند و آخرین راه برای‌شان این است که مهاجرت کنند.

همه‌ای رفتار مجاهدین و طالبان، بر خلاف اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های حقوق بشر بود. در ماده پنجم اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است «هیچ کس را نمی‌توان زیر شکنجه، مجازات و یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و برخلاف انسانیت و شئون بشری یا موهن باشد». اما مجاهدین و طالبان فراتر از شکنجه در برابر هندوها و سیک‌ها عمل کردند؛ حتا اقدام به قتل و تجاوز به عنف نمودند.

3 - 2 - هندوها و سیک‌ها در عصر دموکراسی و امید (2001-2021/1380-1400)

در سال 1380 خورشیدی، افغانستان از یک مرحله وحشت و ستیزمجویی مجاهدین و طالبان وارد فضای سیاسی و اجتماعی گردید که همه شهروندان برای‌شان آینده‌ای توأم با روشنایی ترسیم‌کردند. در این فضا، هندوها و سیک‌ها نیز خود را سهیم دانستند و یک نفر نماینده انتصابی در شورای ملی نیز داشتند. این نماینده، بانو انارکلی هنریار یکی از شخصیت‌های فرهنگی و باسواد این اقلیت دینی بود که در مشرانو جرگه منصوب گردید.

در آن زمان، نهادهای جامعه مدنی و حقوق بشری شکل گرفتند؛ نماینده‌های سیک‌ها و هندوها نیز در میان اعضای جامعه مدنی و فعالان حقوق بشر حضور و در خط دفاع از حقوق بشر و آزادی‌های مدنی قرارداشتند. می‌توان از اوتار سینگ، ترلوک سینگ، راویل سینگ و ... نام‌برد.

سیک‌ها و هندوها، جشن‌های مذهبی‌شان را در کابل و ننگرهار به گونه‌شان‌دار برگزار می‌کردند. در این جشن‌ها فرهنگیان، فعالان مدنی و فعالان حقوق بشر افغانستان نیز شرکت می‌نمودند. کودکان سیک و هندو، در بخش آموزش اگرچند با مشکلات مواجه بود. اما با فعال شدن مکاتب خصوصی تعدادی از فرزندان‌شان به تعلیم و آموزش مصروف بودند. در سال 1391 خورشیدی، یک مکتب ابتدائیه دولتی به نام «مکتب ابتدائیه بابا نانک» در شوربازار شهر کابل برای آموزش کودکان هندو و سیک فعال گردید.

با قدرت‌مند شدن، گروه‌های تندرو و تروریستی در افغانستان در نیمه دوم دهه 1390 خورشیدی، سیک‌ها و هندوها با تهدیدات فزاینده روبرو گردیدند و کم‌کم به زندگی پنهانی روی‌آوردند. به طور نمونه، در اواخر جوزای سال 1395 «چندین خانواده هندو و سیک ولایت هلمند در جنوب افغانستان را زمانی ترک کردند که طالبان به آن‌ها نامه‌ای فرستاده و خواستار 200 هزار افغانی از آن‌ها شدند» (دولچه وله، 1395/4/3).

به تایخ (10 سرطان 1397)، هندوها و سیک‌ها در ننگرهار مورد حمله تروریستی طالبان/داعش قرار گرفتند و در این میان «اوتار سینگ خالصه» نماینده سیک‌ها، همراه با 19 تن دیگر کشته شد. به تاریخ (6 حمل 1399) تروریستان طالبان/داعش بر عبادتگاه سیک‌ها در شوربازار کابل حمله کردند، در حدود 100 تن کشته و زخمی برجای گذاشت.

3 – جمعیت، زیست‌گاه، شغل و فرهنگ سیک‌ها و هندوها در افغانستان

هندوها و سیک‌ها در اکثر شهرهای افغانستان زندگی می‌کردند. اما بیشتر در ولایت‌های ننگرهار، خوست، پکتیا، غزنی، لغمان، کابل، لوگر، بغلان، هلمند و قندهار حضور داشتند و در اکثر ولایت‌ها دارای عبادت‌گاه و محل‌های مردسوزان نیز بودند.

از نظر فرهنگی تفاوت‌هایی میان سیک‌ها و هندوها با مسلمانان افغانستان وجود داشت. این تفاوت شامل روش عبادت و نیایش و همچنان نحوه لباس پوشیدن می‌گردید. تفاوت عمده دیگر این است هندوها و سیک‌ها جنازه‌های‌شان را آتش می‌زنند. اما به لحاظ حس وطن دوستی و گرایش ملی تفاوتی بین مسلمانان افغانستان و هندوها و سیک‌ها وجود نداشت. هندوها و سیک‌ها همواره خود را متعلق به افغانستان می‌دانستند. فرهنگیان و فعالان اجتماعی سیک‌ها و هندوها همیشه اظهار می‌داشتند که ما متعلق به افغانستان هستیم. اما از این‌که به آنان نگاه دوگانه و تبعیض‌آمیز صورت می‌گرفت شکایت و گلایه داشتند.

شغل این اقلیت دینی و مذهبی، بیشتر در بخش تجارت و طبابت سنتی، فروش گیاهان دارویی و معجون‌های که خود‌شان فراهم می‌کرد بود. قبل از پیروزی مجاهدین، آنان در امور اداری و دولتی به شمول ساختارهای نظامی نیز ایفای وظیفه می‌کردند. اما بعد از آمدن مجاهدین و گروه طالبان، پای آن‌ها از اداره و نظام قطع گردید.

در مورد جمعیت سیک‌ها و هندوها آمار دقیق در دسترس نیست. در سال 1399 خورشیدی، ایشوار داس، یکی از فعالان فرهنگی این اقلیت دینی در مصاحبه با پارس‌تودی اظهار داشت که «آمار دقیقی از تعداد آنان وجود ندارد، در دهه‌های گذشته که آرامش بود این تعداد بین 150 تا 250 هزار نفر می‌رسید» (پارس‌تودی، 1399/1/26).

راویل سینگ، یکی از فعالان مدنی سیک در مصاحبه با فارس‌نیوز، در سال 1395 اظهار داشته است که؛ جمعیت هندوها و سیک‌ها در دهه هفتاد در حدود 70 هزار تن بوده و اکنون (1395 خورشیدی) در حدود 3 هزار تن در ولایت‌های کابل، ننگرهار و غزنی پراکنده اند (فارس‌نیوز، 1395/10/15).

اوتار سینگ، رئیس شورای سراسری هندوها و سیک‌ها در مصاحبه‌ای اظهار داشته است که «تعداد خانواده‌های سیک‌ها و هندو، اکنون (1395 خورشیدی) کمتر از 220 خانواده است، در حالی‌که قبل از حکومت کابل در سال 1375/1992 در حدود 220 هزار عضو داشت» (رزنامه اطلاعات روز، تاریخ 7 سرطان 1395). به طور کلی می‌توان گفت این اقلیت مذهبی، تا سال 1380 خورشیدی به 3 هزار تن کاهش پیدا کردند. در سال 1402 در حاکمیت طالبان این جمعیت به (10) تن رسیده است.

4 – وضعیت هندوها و سیک‌ها در حاکمیت کنونی طالبان

به تاریخ 24 اسد 1400 خورشیدی، تمام روزنه‌های امید برای مردم افغانستان بسته و یکبار دیگر طالبان بر افغانستان حاکم شد؛ گروه تندرو و ستیزه‌جویی که به هیچ تنوع فرهنگی و اعتقادی احترام ندارد و با تمامی مفاهیم حقوق بشری بیگانه اند. در اواخر نظام جمهوری، گروه‌های تروریستی به شمول طالبان صحنه را برای اقلیت دینی هندو و سیک تنگ ساخت. این شهروندان فقط در سه ولایت کابل، غزنی و ننگرهار محدود شدند.

بعد از سقوط جمهوریت، در زمان سلطه دوم طالبان بر افغانستان، به تاریخ (28 جوزا 1401) بر عبادتگاه سیک‌ها و هندوها در کارته پروان کابل، حمله تروریستی صورت گرفت که 3 تن کشته و زخمی برجای گذاشت. به تاریخ (12 قوس 1401)، دکان چرن سینگ یکی از شهروندان سیک در شهر جلال‌آباد ننگرهار با ماین مورد حمله قرار گرفت.

در سال 1401 خورشید، قاضی القضاة طالبان کتاب را تحت عنوان «امات اسلامی و نظام آن» منتشر کرد و مورد تایید ملا هبت الله رهبر این گروه قرار گرفته است. این کتاب، در حقیقت قانون اساسی و چارچوب عمل برای حکومت‌داری طالبان می‌باشد. در این کتاب تمامی مذاهب اسلامی، غیر از مذهب حنفی مردود و باطل دانسته شده و این گونه اظهار عقیده نموده است: «لازم است که تا دولت اسلامی ملزم به یک مذهب خاصی باشد که تمامی ساکنان آن مملکت و یا اکثریت‌شان ملتزم به آن هستند؛ بنابراین دولت افغانستان (گروه طالبان) مکلف است تا به مذهب حنفی در محاکمات و سایر شئون زندگی عمل نماید. چون اکثریت ساکنان افغانستان از گذشته‌های دور حنفی مذهب بوده‌اند و کتاب‌های فقهی که تدریس می‌شوند و فتوا داده می‌شوند به مذهب حنفی است و (عمل به مذهب غیر حنفی) برای مردم افغانستان به خصوص مردم عوام، عار دانسته می‌شود» (حقانی، 1401، 51-52).

در صورت که در ماده هژدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر، در مورد آزادی عقیده و مذهب این گونه بیان شده است «هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره‌مند شود. این حق متضمن تغییر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان می‌باشد و نیز شامل تعلیمات مذهبی و اجرای مراسم دینی است. هرکس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا جمعاً به طور خصوصی یا به طور عمومی برخوردار باشد».

اما رفتار و پندار طالبان، در تناقض مطلق با قوانین و ارزش‌های حقوق بشری قرار دارد. در این گونه فضای فکری و سیاسی که مذاهب اسلامی غیر از حنفی ننگ و عار پنداشته شود؛ بدون شک جایی برای هندو و سیک در افغانستان باقی نمی‌ماند.

1 - 4 - کابل با گوردواره‌های متروکه بدون آوای «گران صاحب»

قبل از سقوط دولت جمهوری اسلامی افغانستان در گوشه گوشه شهر کابل، شهروندان هندو و سیک با فرهنگ و پوشش متفاوت حضور داشتند. تنوع فرهنگی و مذهبی همانند تنوع غذایی خوشایند است. اکنون در کابل هیچ اثری از این شهروندان دیده نمی‌شود. زشت‌ترین جامعه، جامعه‌ای است که تنوع نژادی، فرهنگی و مذهبی در آن وجود ندارد.

افراط‌گرایان و تندروانی چون طالبان، به دلیل جهالت‌شان؛ دشمن تنوع و گوناگونی فرهنگی می‌باشند. اکنون در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، تنوع دینی نابود شده است. بودایی‌ها، مسیحی‌ها، زرتشتی‌ها و بهایی‌ها قبلاً نابود گردیدند. طالبان آخرین یهودی را فراری داد و هندوها و سیک‌ها را نیز تقریباً نابود ساخته است.

اکنون در حاکمیت طالبان، در هیچ یک از مناطقی که قبلاً سیک‌ها و هندوها حضور داشتند اثری از آنان دیده نمی‌شود. فقط دکان‌های عطاری به‌جامانده‌اند که در داخل آن مردان مسلمان نشسته و با یک تسبیح سه جزه در حال درود گفتن‌اند.

در کوچه قلعه واحد در ساحه کوتاه سنگی، به یک دکان داروی گیاهی مراجعه کردم که قبلاً مربوط به یک شهروند سیک بود؛ اما دیدم که از او خبری نیست. یک جوان مسلمان داخل دکان نشسته بود. از وی سراغ لالاها را گرفتم، در افغانستان معمولاً سیک‌ها و هندوها را لالا و سردار خطاب می‌کنند؛ وی با نگاه خیره، به سوی من زلزد و گفت «برادر اگر دوا کارداری همه این دواهای یونایی در خدمت خودت است. اگر هندو کارداری برو به هندوستان». وی با شاگر بغل دستی‌اش آهسته گفت: «چه مردم عجیب داریم که حالا دنبال هندو می‌گردد».

در کنار پل کوتاه سنگی، از یک دست‌فروش در مورد هندوها و سیک‌ها پرسیدم. وی با تأسف اظهار داشت: «هندوها و سیک‌ها بسیار مردم گل و قند بودند. من به عقیده‌شان کار ندارم اما بسیار مردم درست‌کار و راست‌گوی بودند. از روزی

که طالبان آمده اند، هندوها و سیک‌ها را دیگر در این ساحه ندیده‌ام. اما دکان‌های دوافروشی‌شان در همین ساحه موجود است. اما نمی‌دانم که فروخته، یا در دست شاگردان و یا شریک‌های‌شان است.»

در جریان صحبت با آن دست‌فروش، یک خریدار سررسید و جریان صحبت را با او شریک ساختم وی نیز با اظهار تاسف گفت: «چه یک دوره‌ای شده است که به دنبال هندو می‌گردیم اما پیدا نمی‌توانیم». این مرد عابر که خود را باشنده کارته سخی معرفی کرد، ابراز داشت «هندوها و سیک‌ها از ترس این ملاها (طالبان) همه رفتند. فامیل‌های‌شان که همه رفته‌اند، اگر یگان نفر به خاطر زمین‌ها، تجارت و جایزاده‌های‌شان باقی مانده باشد، آن‌هم در خفا زندگی می‌کنند. دیگر در بازار و شهر، هندو و سیک پیدا نمی‌شود.»

در نزدیکی پل سوخته به یک دکان عطاری مراجعه کردم. از دکاندار پرسیدم که؛ قبلاً در اینجا عطاری هندوها بود؛ آیا اکنون پیدا می‌شود؟ او به گونه‌ای جواب داد که انگار هندو و سیکی، در این شهر حضور نداشته است. گفت: «من از هندو خبر ندارم قبلاً هم اینجا هندو نبود. تمام این دکان‌ها الحمد الله از مسلمان‌ها است». این جواب بیانگر این است که حتا هندوها و سیک‌ها از خاطره‌ای جامعه افغانستان در حال حذف شدن می‌باشد.

بعد از آن‌که در منطقه کوتاه سنگی، قلعه واحد و پل سوخته از یافتن سیک‌ها ناامید شدم به کارته پروان رفتم. منطقه‌ای که مرکز تجمع سیک‌ها و هندوها بود. در نزدیکی درمسال از موتر پایین شدم. به دکان‌های عطاری که قبلاً مربوط به سیک‌ها بود مراجعه کردم. به هر دکان که داخل شدم خبری از لالاها نبود فقط مسلمانان را دیدم.

از یکی دکانداران پرسیدم که در اینجا از لالاها کسی دکان عطاری دارد؟ وی با بی‌تفاوتی گفت: «برو پایین شاید پیدا کنی». به سمت پایین به استقامت لیسه نادریه، چند دکان عطاری را جستجو کردم، در داخل هیچ کدام‌شان از سیک‌ها کسی نبود. به یک دکان خوراکه فروشی داخل شدم بعد از گرفتن یک نوشیدنی، از او در مورد سیک‌ها و هندوها سوال کردم. وی با خنده اظهار داشت: «وطن‌دار، در اینجا، حالا پنجشیری به ترس زندگی می‌کند. تو به دنبال هندو می‌گردی. هندوها در همان اول که طالبان آمد، همه بازار را ترک کردند. بعضی‌های‌شان تا یک مدت در اینجا دیده می‌شد اما بعد از آن حمله که بالای همین درمسال شد دیگه هیچ دیده نمی‌شود. همه‌شان از افغانستان رفتند.»

گوردواره سیک‌ها و هندوها در منطقه کارته پروان برای من آشنا بود. در زمان جمهوریت در این درمسال با اوتار سینک رئیس شورای سیک‌ها و اهل هندو صحبت کرده بودم. در سال 1393، در جشن ویساک در این درمسال شرکت کرده بودم. در آن روزها در اطراف درمسال، کودکان سیک گشت و گذار می‌کردند و تنوع اجتماعی قابل مشاهده بود.

اما اکنون، دیدم که در کنار جاده درمسال، پوسته طالبان بود و تعدادی افراد مسلح در حال گشت‌زنی. بیرق سفید طالبان، بالای پوسته به اهتزاز بود و بر آن کلمه «لا اله الا الله محمد رسول الله» درج. اما در برابر پوسته طالبان، عبادت‌گاهی را مشاهده کردم که در پشت دیوارهای بلند سمیتی محصور شده است. از پشت آن دیوار به سختی می‌توان گنبد درمسال را دید.

از مسیر پایین به سمت درمسال رفتم و با نظامیان طالبان مواجه شدم. آنان پرسید کجا می‌روی؟ جواب دادم کوتاه سنگی. گفت چرا به موتر نمی‌روی که از این مسیر آمدی؟ یکی‌شان صدا کرد اجازه بده که برود. پیش دروازه درمسال رسیدم با یک مکان متروکه مواجه شدم. نه از کودکا هندو و سیک خبری بود و نه از «اوتار سینگ» و «انارکلی هنریار». زیرا «اوتار» را در سال 1397 در ننگرهار، تندروان اسلامی کشتند؛ انارکلی هنریار، تنها بانوی فعال و باسواد این اقلیت مذهبی را مهاجر ساختند؛ کویان سیک و هندو نیز یا مهاجر شدند و یا در انفجاری که در عبادتگاه شوربازار رخداد کشته شدند. اما چند کودک مسلمان را دیدم که در جاده جلو درمسال مصروف بازی بودند و مادرشان در حال مراقبت از آن کودکان.

با یک توقف 30 ثانیه‌ای در جلو درمسال و مرور گذرا به خاطرات گذشته؛ مسیرم را ادامه دادم. در ذهنم این تصور شکل گرفت که عدم مدارای اجتماعی، دینی و نژادی، چطور ظالمانه منجر به انقراض و نابودی گروه‌های انسانی می‌شود. یک جمعیت انسانی در یک انتروال زمانی، بین سال (22 تا 1402 خورشیدی) چگونه منقرض گردیده است.

وضعیت مناطق مندوی، تیمورشاهی، چوک خشتی، باغ قاضی، شاهشهید و شوربازار نیز همانند کارته پروان است. در هر کوچه و بازارچه سرزدم هندو و سیک را ندیدم. فقط در شوربازار، یک بنر رنگ و رخ پریده‌ای خاک‌آلود را دیدم که در آن نوشته بود «عطاری کرنجیت سینگ خالصه» اما از خود وی خبری نبود. وی احتمالاً یا مهاجرت کرده و یا در حملات تروریستی که بالای هندوها و سیک‌ها صورت گرفته کشته شده است.

در سال‌های جمهوریت، هر وقت از مسیر باغ قاضی به سمت میدان هوایی عبور می‌کردم؛ در نزدیکی درمسال شوربازار یک مرد دکاندار کهن‌سال و لاغر اندام سیک، چشمانم را به خود جلب می‌کرد. ناخود آگاه به یاد مرتاضان و عرفان هندی می‌افتادم. کتاب‌های «و اینک برکه‌ای کهن»، «یک زندگی، یک ترانه، یک رقص» و «این نیز بگذرد» از راجنیش او شو؛ و کتاب «حضور در هستی» از کریشنا مورتی در ذهنم تداعی می‌شد. اما به تاریخ (6 جوزای 1402) به دکان وی مراجعه کردم او در دکان‌اش نبود. از دکاندار که در دکان وی نشسته بود؛ خبری آن پیرمرد را گرفتم، برایم گفت: «من از او خبر ندارم. چند ماه می‌شود که این دکان را کرایه کرده‌ام. او شاید رفته یا مرده باشد».

جلو درمسال شوربازار رفتم، با درمسال ساکت و بی‌عابد مواجه شدم. در جلو درمسال یک «پهرمداری سمنتی زرهی» قرار داشت؛ اما در داخل‌اش هیچ محافظ و عسکری دیده‌نی‌شدم. از ظاهر درمسال، قابل درک بود که از چندین ماه به این‌سو، در اینجا کسی زندگی نمی‌کند، هیچ مراسم عبادی برگزار نشده و آوای زمزمه «گرانت صاحب» کتاب مقدس سیک‌ها در این فضا طنین افکن نشده است. با دیدن درمسال، به یاد حمله تروریستی افتادم که به تاریخ (6 حمل 1399) تروریست‌های مسلمان بالای هندوها و سیک‌ها انجام دادند.

از میوه‌فروش که در جلو درمسال یک کراچی گذاشته بود، در مورد سیک‌ها و هندوها پرسیدم، وی گفت: «از وقتی که طالبان آمد تمام هندوها و سیک‌ها اینجا را ترک کرده‌اند. دکان‌های‌شان را یا به کرایه دادند یا در اختیار شریک‌های‌شان گذاشته‌اند. خودشان همگی رفته‌اند. در درمسال هیچ کسی از هندوها و سیک‌ها نیست. فقط یک نگهبان افغان در آنجا حضور دارد».

من به دنبال یافتن «مکتب ابتدائیه بابا نانک» نیز بودم. قبلاً این مکتب را دیده بودم که در نزدیک درمسال موقعیت داشت. اما هرچه نگاه کردم هیچ اثری از تابلوی مکتب ندیدم. از دو نفر دست‌فروش، در مورد مکتب پرسیدم آنها گفتند: «در اینجا مکتب هندوها و سیک‌ها نیست». یک تعمیر دو منزله قدیمی و کهنه با دروازه فلزی کوچک خاکستری را چندین بار نگاه‌کردم اما تابلویی وجود نداشت. از دکاندار که نزدیک آن تعمیر بود در مورد مکتب پرسیدم او گفت: «همین خانه را که می‌بینی مکتب هندوها و سیک‌ها است. اما تابلوی آن را برداشته‌اند و فعلاً دانش‌آموزی از هندوها و سیک‌ها در این مکتب حضور ندارد به خاطریکه همه‌شان رفته‌اند. یک تعدادشان در انفجار درمسال کشته شدند و اکنون فقط یک نفر باقی مانده است که او هم هیچ دیده نمی‌شود. او نیز شاید رفته باشد».

در کوچه‌ای مقابل درمسال شوربازار، به سمت دامنه کوه، نیز عبادت‌گاه هندوها و سیک‌ها موقعیت دارد. برای مشاهده عبادت‌گاه داخل کوچه شدم، هیچ هندو و سیک دیده نمی‌شد. در اطراف عبادت‌گاه چرخ زدم و با دروازه‌های مسدود مواجه شدم؛ دروازه‌های فلزی که بر آن‌ها نمادهای مذهبی سیک‌ها و هندوها نقش بسته بود و هر کدام شاید دعا و یا کلمه‌ای مقدسی بود؛ اما برای من که یک مسلمان‌زاده هستم آن نمادها گنگ و فاقد معنا بود.

از یک نوجوان مسلمان که بر دیوار عبادت‌گاه تکیه داده بود، پرسیدم که آیا درمسال فعال است؟ وی جواب داد: «نه کاکا، درمسال بسته است داخل هیچ هندو نیست، کلی‌شان رفتند. به نظرم، فقط یک نگهبان از مردم ما در آنجا است».

بعد از چند دور گشت و گذار در منطقه شوربازار به دنبال نشانه‌ای از هندوها و سیک‌ها، دچار حس نفرت از خود و اسلامیت خویش شدم و انقراض یک جمعیت انسانی را عملاً مشاهده کردم.

4 - ننگرهار با یک مرد پکور ه فروش سیک

ننگرهار یکی از ولایت‌هایی است که بیشترین جمعیت سیک و هندو را در خود جای‌داده بود. سلیمان هیوادل (اسم مستعار) فعال اجتماعی در شهر جلال‌آباد، به اساس چشم‌دیدهایش اظهار داشت: «در این شهر در حدود شش تن از سیک‌ها و هندوها باقی مانده است. فقط یک شهروند سیک، قابل مشاهده است که در نزدیکی درمسال شهر جلال‌آباد دکان پکوره‌فروشی دارد. برای او تاهنوز امکانات بیرون شدن از افغانستان فراهم نشده است. گفته می‌شود که به علاوه وی، به تعداد پنج تن هندو و سیک نیز در شهر حضور دارند. این شهروندان احتمالاً به خاطر جمع و تنظیم معاملات اقتصادی‌شان باقی مانده باشند. آن‌ها به صورت پنهانی زندگی می‌کنند و احتمالاً در داخل درمسال به سر می‌برند. اما با هیچ کسی ارتباط ندارند. هندوها و سیک‌ها تمام دکان‌های‌شان را برای افغان‌ها سپرده‌اند. خانواده‌ها یعنی کودکان و زنان سیک و هندو در ننگرهار حضور ندارند».

در مورد ولایت خوست نیز وی اظهار داشته که «در ولایت خوست یک نفر از سیک‌ها باقی مانده است که او احتمالاً نماینده‌شان به خاطر جمع‌آوری کرایه دکان‌ها و خانه‌های‌شان باشد».

این فعال اجتماعی اظهار داشت «قبلاً در دوران نظام جمهوری، تعداد هندوها و سیک‌ها بیشتر از 100 فامیل بودند. آن‌ها در شهر جلال‌آباد یک درمسال بسیار کلان دارند و خانه‌های‌شان نیز در اطراف درمسال موقعیت داشتند. به کارهای تجاری از قبیل پارچه فروشی و دوا یونانی مصروف بودند. آن‌ها در ولسوالی سرخ‌رود ننگرهار، یک عبادت‌گاه دارند که سال یک بار به مدت سه روز، زن و مرد در آنجا می‌رفتند و جشن می‌گرفتند. در آنجا یک چشمه آب است، سیک‌ها عقیده دارند که در زمان‌های قدیم گورو نانک، در این منطقه آمده و در آن چشمه غسل کرده است. هندوها و سیک‌های ننگرهار و از دیگر ولایت‌ها سال یکبار در این چشمه غسل می‌کردند. از نظر هندوها و سیک‌ها این چشمه همانند دریای مقدس گنگا در هندوستان است. بعد از آمدن طالبان در سال 1400، هندوها و سیک‌ها، این مراسم مذهبی‌شان را برگزار نکردند. هندوها و سیک‌های در ننگرهار دو محل مرده‌سوزان دارند. یکی از مرده‌سوزان‌ها در نزدیک درمسال مرکزی‌شان، در شهر جلال‌آباد موقعیت دارد و دیگری در کوچه رئیس در منطقه احمد خان».

در مورد آموزش کودکان هندو و سیک، وی گفت: «قبل از دوران مجاهدین کودکان هندو و سیک در مکتب‌های دولتی درس می‌خواندند. اما در زمان مجاهدین و طالبان از آموزش محروم شدند. در زمان نظام جمهورییت هم در مکاتب می‌رفتند؛ اما در ساعت‌های درسی عقاید و قرآن کریم، آن‌ها آزاد بودند که از صنف بیرون شوند و یا اینکه درس را گوش دهند. در سال‌های جمهورییت، یک مکتب خصوصی تا سطح صنف دوازدهم برای کودکان هندو و سیک در نزدیکی درمسال فعال شده بود که اکثریت‌شان در آن مکتب درس می‌خواندند. در آن مکتب علاوه بر نصاب درسی وزارت معارف، مضمون‌های عقاید سیک‌ها و هندوها نیز تدریس می‌شد. این مضامین را با سوادهای خودشان تدریس می‌نمود. در این مکتب پسران و دختران سیک و هندوها مصروف فراگیری آموزش بودند».

این فعال اجتماعی در مورد آموزش عالی جوان سیک و هندو اظهار داشت «بعد از پیروزی مجاهدین در سال 1371، تا همین اکنون هیچ جوان هندو و سیک در دانشگاه ننگرهار به عنوان دانشجو جذب نشده است. دلیل آن، بیشتر بر می‌گردد به فضای مذهبی و تهدیدات که متوجه این جمعیت دینی و مذهبی بوده است».

طلوع نیوز در یک گزارش خبر داد که یک تن از شهروندان سیک به اسم جگموهن سینگ، در شهر گردیز مرکز ولایت پکتیا باقی مانده است. فامیل وی افغانستان را ترک کرده اند تنها خودش در این شهر زندگی می‌کند و مصروف دکانداری و فروش داروهای سنتی می‌باشد (طلوع نیوز، 11/3/1401).

3 - 4 - غزنی مقر سلطان محمود، با پروژه ناتمام هندوها و پروژه کامل اسلامیزه‌سازی

حمیدالله رحمانی (اسم مستعار)، یکی از فعالان فرهنگی و اجتماعی در شهر غزنی در مورد هندوها می‌گوید: «هندوها و سیک‌ها قبلاً در غزنی زیاد بودند و در چندین منطقه شهر سکونت داشتند. این مناطق عبارتند از: زیر فرقه، پایین‌تر از

بالا حصار، شاهمیر و نزدیک پل فراخی. در ساحه پلان سه شهر غزنی، سه کوچه، کاملاً به نام کوچه هندوها معروف است. اگر چند آمار دقیق در دست نیست، شاید بیشتر از 70 فامیل در شهر غزنی زندگی می‌کردند. البته در اواخر حکومت جمهوریت در قسمت شاهمیر و زیر فرقه، کسی از هندوها و سیک‌ها نمانده بودند. تراکم جمعیت‌شان تنها در پلان سه بودند».

به گفته حمید الله رحمانی «هندوها و سیک‌ها در دو سه منطقه عبادتگاه یا معبد داشتند. یکی از معبد‌های‌شان در منطقه پلان سه، در بین کوچه‌شان یعنی کوچه هندوها است. سال یک بار همگی‌شان در آن معبد تجمع و جشن و بیساک را برگزار می‌کردند. در این جشن بعضی از مسلمان‌های شهر غزنی نیز شرکت می‌نمودند».

وی همچنان گفت «از زمان‌های سابق در ولسوالی جغتو در منطقه تورگان یک قریه به نام ده هندو است. در آنجا نیز عبادتگاه داشتند که آن عبادتگاه برای هندوها از تقدس بالا برخوردار بود. در سال‌های که امنیت بود، یعنی در اول حکومت جمهوری به ریاست حامد کرزی، هندوها به این قریه رفت و آمد داشتند. سال یکبار در آنجا مراسم دینی خود را برگزار می‌کردند. هندوها و سیک‌ها در آن مراسم یک قسمت از بدن یک بز را خون (زخم نموده) و رها می‌کردند. در مورد فلسفه این سنت فرهنگی و دینی‌شان معلومات دقیق در اختیار نیست، اما هندوها این کار را انجام می‌دادند. تقریباً در سال‌های دوره دوم ریاست جمهوری حامد کرزی، یعنی اواخر دهه 1380، امنیت ولایت غزنی رو به وخامت گذاشت و بعد آن سال‌ها، هندوها و سیک‌ها نمی‌توانستند برای برگزاری مراسم دینی، به قریه ده‌هندو بروند».

حمید الله افزود «در سال 1386، هندوها و سیک‌ها تصمیم داشتند که سرک میان شهر غزنی و قریه ده هندو را پخته و قیرریزی کنند. بودجه ساختن این پروژه سرک سازی را هندوهای غزنی و فامیل‌های‌شان که در هندوستان به سر می‌بردند به عهده گرفتند، زیرا در قریه ده‌هندو معبدشان موقعیت دارد. آن مکان برای هندوها و سیک‌ها جای بسیار مقدس و یک عبادتگاه مهم به حساب می‌آمد. هندوها و سیک‌ها، از حکومت محلی غزنی درخواست کرده بودند که تامین امنیت این پروژه را به عهده بگیرد. اما حکومت محلی برای تامین امنیت آن همکاری نکرد؛ این پلان هندوها و سیک‌ها برای ساختن سرک، ناتمام ماند. اکنون، احتمالاً طالبان آن معبد را تبدیل به مسجد و یا پوسته نظامی کرده اند».

در مورد شغل و پیشه و هندوها و سیک‌ها در شهر غزنی، حمیدالله می‌گوید: «در زمان سابق یعنی اوایل حکومت جمهوریت، بیشتر بازار و خاصاً بزاری‌ها در دست آن‌ها بود که بیشتر لباس می‌فروختند و همچنان طلا فروشی‌ها و عطاری‌ها نیز در اختیارشان بود. در این اواخر، تعداد نفوس آنها کم شده بودند و اکثراً غزنی را ترک کرده بودند. در سال‌های اخیر بیشتر عطاری‌ها را در اختیار داشتند که همان داروی یونانی است».

حمیدالله در مورد تهدیدها در برابر هندوها و سیک‌های غزنی اظهار داشت «طبعاً در مقابل آن‌ها تهدیدات بسیار جدی و خطرناک وجود داشت. به دلیل این‌که آنان در اقلیت بودند و از نظر اعتقادی به یک کیش و آئین دیگر ایمان داشتند. افراد طالبان در جنوب، به صورت کلی افراد تندرو و افراطی هستند. تمام تلاش آن‌ها این است که تمام فرقه‌های مذهبی و دینی را که غیر از آنچه که خودشان باور دارند حذف کنند. هندوها و سیک‌ها از نظر طالبان، کافر مطلق هستند و از تمام راه‌های ممکن در پی این هستند که آنان را حذف نمایند».

به باور این فعال فرهنگی، یکی از دلایل که هندوها در دهه دوم 1390، همگی در یک منطقه شهر غزنی تجمع کردند این بود که طالبان این اقلیت دینی و مذهبی را تهدید کردند. حتی در بسیاری موارد طالبان، هندوها و سیک‌های را تهدید می‌کردند که باید اسلام را قبول کنند و از آیین سیک و هندوئیزم دست بردارند. زمانیکه در اواخر جمهوریت، تهدیدات طالبان در ولایت غزنی افزایش یافت؛ اکثریت هندوها و سیک‌ها قبل از سقوط دولت جمهوریت تقریباً شهر غزنی را ترک کردند.

حمید در مورد تهدیدات طالبان، در حاکمیت فعلی طالبان بعد از 24 اسد 1400 در افغانستان، چنین اظهار داشت «وقتی که شهر غزنی به دست طالبان سقوط کرد، چند تن از افراد طالبان رفتند در مسال هندوها در کوچه هندوها در منطقه پلان سه شهر، برای هندوها و سیک‌ها گفتند که اگر در مسال‌های خود را تبدیل به مسجد کنید و خودتان اسلام را قبول کنید ما با

شما کار نداریم. فقط یکی از مجاهدین را به عنوان ملا امام به درمسال شما روان می‌کنیم تا برای تان اسلام را یاد بدهد. اما اگر این را قبول ندارید برای شما اجازه نیست که در شهر غزنی زندگی نمایید. طالبان گفتند که ما را کلان‌های ما روان کرده که این امر را برای تان بگوییم و شما را خبر کنیم. اما اگر دیگر مجاهدین بیایند امکان دارد که تمام شما را بکشند و اموال تان را بگیرند».

حمید الله بر اساس چشم‌دید اش ابراز داشت: «به دلیل این تهدیدات در حال حاضر هیچ سیک و هندو در بازار غزنی قابل مشاهده نیست. تا چند ماه قبل، فقط یک نفر سیک در غزنی حضور داشته که او به نمایندگی از دیگران به خاطر کرایه جایدادهای‌شان باقی مانده بود و احتمال دارد که او نیز رفته باشد».

سرگذشت اقلیت سیک و هندو در افغانستان، به شدت غم‌انگیز است. بنیادگرایی اسلامی و عدم مدارای اجتماعی باعث گردید که این اقلیت دینی افغانستان را ترک کند. البته این یک زنگ خطر برای تمامی اقلیت‌های نژادی، مذهبی و فرهنگی است که اکنون تحت فشار طالبان دست و پنجه نرم می‌کنند.



نمودار وضعیت زندگی سیک‌ها و هندوها از (1402-1298/2023-1919)

سال	1298 تا 1371	1371 تا 1380	1380 تا 1400/5/24 تا 1402/3/13
تعداد جمعیت	200000 - 250000 تن	30000 - 70000 تن	2500 - 3000 تن
شغل	ماموریت دولتی، تجارت، طبابت سنتی	طبابت یونانی	وکالت در شورای ملی، فعالیت مدنی و حقوق بشری، تجارت و طبابت سنتی
آزادی‌های مدنی	آزادی بیان، آموزش، کار و آزادی مذهبی	زندگی مخفیانه تحت تهدید مجاهدین و طالبان	آزادی بیان، تجمعات مدنی، کار، آموزش و آزادی مذهبی

<p>نوعیت نقض حقوق بشری که با آن مواجه شدند</p>	<p>محدود سازی مذهبی در قوانین اساسی افغانستان و مواجهه با خشونت مذهبی</p>	<p>قتل، شکنجه، تجاوز، غصب زمین و جایداد، زورگیری و باج‌گیری، محدودسازی مذهبی، اجبار به تغییر دین، آپارتاید مذهبی و اجتماعی توسط مجاهدین و طالبان</p>	<p>محدود سازی مذهبی در قانون اساسی افغانستان، توهین و تحقیر، مشکلات در مراسم مرده‌سوزان، غصب زمین توسط جنگ سالان و کشتار توسط گروه‌های تروریستی طالبان و داعش</p>	<p>محدود سازی مذهبی، کشتار از طریق حملات تروریستی سازمان دهی شده توسط طالبان/داعش، تهدید به تغییر مذهب، تهدید برای ترک وطن توسط طالبان</p>
<p>مقصد‌های مهاجرت</p>	<p>هندوستان و پاکستان</p>	<p>هندوستان، پاکستان و کشورهای اروپایی</p>	<p>هندوستان و کشورهای اروپایی</p>	<p>هندوستان، کشورهای اروپایی به ویژه انگلستان و کانادا</p>

نتیجه‌گیری

هندوئیسم از قدامت سه هزار ساله در افغانستان برخوردار است و دین سیک احتمالاً از نیمه اول قرن هجدهم در افغانستان ترویج گردید. بعد از ظهور دین اسلام در عربستان لشکریان اعراب برای گسترش اسلام به حوزه امروز افغانستان وارد شدند و پیروان ادیان هندو و دیگر ادیان را به زور وادار به پذیرفتن اسلام کردند.

حاکمان مسلمان به مرور زمان از طریق حملات خشونت آمیز و فرمان‌های تکفیر، پیروان هندوئیسم را به حاشیه بردند. این وضعیت در عصر غزنویان تشدید شد و در عصر عبدالرحمان آخرین منطقه‌ای که پیروان هندوئیسم در آن زیست می‌کردند مجبور به پذیرش اسلام شدند.

در عصر شاه امان الله، فرصت نسبی نفس کشیدن برای اقلیت مذهبی هندو و سیک فراهم شد. اما ساختارهای اجتماعی و قوانین اساسی همراه با روحیه تبعیض در برابر این اقلیت مذهبی بود. ظهور اسلام سیاسی و بنیادگرایی مذهبی در شکل و شمایل مجاهدین و طالبان در افغانستان، این اقلیت مذهبی را به شدت تحت فشار قرارداد و به صورت گسترده حقوق بشری‌شان توسط تندروان اسلامی نقض گردید.

در این اواخر ظهور گروه‌های تروریستی اسلامی با اجرای حملات سازماندهی شده تروریستی و انتحاری بر تجمعات و عبادتگاه‌های این اقلیت، تعداد زیاد را کشتند و زخمی کردند. از سوی دیگر تندروان مذهبی، این اقلیت را تهدید به تغییر مذهب نمودند.

بعد از به قدرت رسیدن طالبان در سال 1400 در افغانستان، هندوها و سیک‌ها به دلیل تهدیدات فزاینده مجبور شدند که اقدام به مهاجرت جمعی و گروهی کنند؛ زیرا آنان از گروه طالبان خاطرات وحشتناک دارند. اکنون که از حاکمیت گروه طالبان در افغانستان در حدود دو سال سپری می‌شود تعداد هندوها و سیک‌های افغانستان به حدود ده تن کاهش یافته است. این

شهروندان نیز در تلاش این هستند که از افغانستان بیرون شوند تا قربانی طالبان و دیگر گروه‌های تروریستی حاکم در افغانستان نگردند.

پیشنهادات

- 1 - نظارت سازمان ملل متحد و نهادهای بین‌المللی حقوق بشری از رفتار ستیزه‌جویانه گروه طالبان در برابر اقلیت‌های قومی و مذهبی در افغانستان.
- 2 - نهادهای بین‌المللی حقوق بشر، طالبان را تحت فشار قرار دهند تا از نقض حقوق بشر در افغانستان دست بردارند.
- 3 - تحقیق جامع و همه‌جانبه در مورد چگونگی نابود شدن هندوها و سیک‌ها در افغانستان.

منابع و مأخذ

- 1 - اصول اساسی جمهوری دموکراتیک افغانستان؛ بیرک کارمل 25 حمل 1359 خورشیدی.
- 2 - اصول اساسی دولت علیه افغانستان؛ محمد نادر شاه 8 عقرب 1310 خورشیدی.
- 3 - اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب 10 دسامبر 1948 میلادی.
- 4 - بی‌ناس، جان. (1354). تاریخ جامع ادیان. مترجم علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات پیروز.
- 5 - چهل و چهار روایت دیگر از افغانستان؛ مجموعه گفتگو. (1395). کابل: انتشارات آرمان شهر.
- 6 - حبیبی، عبدالحی. (1367). تاریخ افغانستان بعد از اسلام. تهران: دنیای کتاب.
- 7 - حقانی، شیخ عبدالحکیم. (1401). امارت اسلامی افغانستان. مترجم دکتر محمد صالح مصلح. هالند: انتشارات شهنامه.
- 8 - شاله، فلیسین. (1346). تاریخ مختصر ادیان. مترجم داکتر منوچهر خدایار محبی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 9 - غبار، میر غلام محمد. (1368). افغانستان در مسیر تاریخ. تهران: مرکز نشر انقلاب با همکاری جمهوری.
- 10 - قانون اساسی افغانستان؛ محمد ظاهر شاه و میزان 1343 خورشیدی.
- 11 - قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان؛ حامد کرزی 6 دلو 1382.
- 12 - قانون اساسی جمهوری افغانستان؛ دوکتور نجیب الله 8 جوزای 1369.
- 13 - قانون اساسی جمهوری افغانستان؛ دوکتور نجیب الله 9 قوس 1366.
- 14 - قانون اساسی جمهوری افغانستان؛ محمد داود خان 5 حوت 1355.
- 15 - نظام نامه اساسی دولت علیه افغانستان؛ شاه امان الله خان 10 حوت 1301.
- 16 - هیوم، رابرت ا. (1391). ادیان زنده جهان. مترجم دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: نشر علم.
- 17 - سایت کابل نات، تاریخ نوامبر ۲۰۰۵

<https://www.kabulnath.de/Schankar%20Dara/Minare%20Chakari/Aazam%20Sistaani/Bawar%20haje%20mardom%20Kabul.html>

18 – سایت همبستگی، تاریخ ۲۷ اسد ۱۳۹۳

<http://www.hambastagi.org/new/fa/category/history/855-a-glance-to-care-of-shah-amanullah-to-afghan-hindu-minority.ht>

19 – سایت پارس تودی، تاریخ ۲۶ حمل ۱۳۹۹

<https://parstoday.ir/dari/news/uncategorised-i107268>

20 – سایت فارس نیوز، تاریخ 1395/10/15

<https://www.farsnews.ir/af/news/13951015000813/%D8%AC%D9%85%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D9%87%D9%86%D8%AF%D9%88-%D9%88-%D8%B3%DB%8C%DA%A9%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%B1%D9%88-%D8%A8%D9%87-%DA%A9%D8%A7%D9%87%D8%B4-%D8%A7%D8%B3%D8%AA>

20 – سایت روزنامه اطلاعات روز، تاریخ ۷ سرطان ۱۳۹۵

<https://www.etilaatroz.com/39243/%D8%AC%D9%85%D8%B9%DB%8C%D8%AA-%D8%B1%D9%88%D8%A8%D9%87%E2%80%8C%DA%A9%D8%A7%D9%87%D8%B4-%D8%B3%DB%8C%DA%A9%E2%80%8C%D9%87%D8%A7-%D9%88-%D9%87%D9%86%D8%AF%D9%88%D9%87%D8%A7%D8%9B-%D9%81%D8%B1%D8%A7/>

22 – سایت انستیتوت گزارش جنگ و صلح، تاریخ ۱۷ نوامبر ۲۰۱۷

<https://iwpr.net/da/global-voices/ahl-hnwd-w-sykhay-afghanistan-hnwd-hm-ba-mshklat-dst-w-pnjh-nrm-my-knnd>

23 – سایت دویچه وله، تاریخ ۳ سرطان ۱۳۹۵

<https://www.google.com/amp/s/amp.dw.com/fa-af/%25D8%25B4%25D9%2585%25D8%25A7%25D8%25B1-%25D9%2581%25D8%25B2%25D8%25A7%25DB%258C%25D9%2586%25D8%25AF%25D9%2587-%25D9%2587%25D9%2586%25D8%25AF%25D9%2588%25D9%2587%25D8%25A7-%25D9%2588-%25D8%25B3%25DB%258C%25DA%25A9%25D9%2587%25D8%25A7-%25D8%25A7%25D9%2581%25D8%25BA%25D8%25A7%25D9%2586%25D8%25B3%25D8%25AA%25D8%25A7%25D9%2586-%25D8%25B1%25D8%25A7-%25D8%25AA%25D8%25B1%25DA%25A9-%25D9%2585%25DB%258C%25DA%25A9%25D9%2586%25D9%2586%25D8%25AF/a-19349727>

24 – سایت آسو، تاریخ، 1401/4/21

<https://www.aasoo.org/fa/articles/3923>

25 – سایت خبرگزاری میزان، تاریخ 1397/4/16

<https://www.mizanonline.ir/fa/news/433480/%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87%DB%8C-%D8%A8%D9%87-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%DA%86%D9%87-%D8%AD%D8%B6%D9%88%D8%B1-%D8%B3%DB%8C%DA%A9%E2%80%8C%D9%87%D8%A7-%D9%88-%D9%87%D9%86%D8%AF%D9%88%D9%87%D8%A7-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86>

26 – سایت طلوع نیوز، تاریخ 1402/3/11

<https://tolonews.com/fa/afghanistan-183603>